



## Living in the Struggle between Life and Death: A Phenomenology of the Lived Experience of Kolbars

**Fardin Mohammadi** \*  Assistant Professor, Department of Social Science, Farhangian University, Tehran, Iran.

**Omid Ghaderzadeh**  Associate Professor of Sociology, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

### 1. Introduction

Today, citizens of the border cities of Kurdistan Province and other Kurdish-populated areas resort to kolbari [cross-border labor] to escape unemployment and provide for their own and their families' basic needs. Kolbari is an economic activity in which people called kolbars carry goods on their backs between the two sides of the border line for wages. In addition to limited benefits, kolbari has and will continue to have many risks for kolbars. In this regard, the basic question of the present research is what kind of phenomenon is kolbari and what experience and understanding do kolbars have of their phenomenal world?

### 2. Literature Review

Various sociological studies have been conducted on the Kolbari phenomenon, which can be divided into several categories: The first category is explanatory research that has tried to examine the factors affecting the formation of Kolbari and its solutions using a quantitative approach and survey method. The second category is interpretive research that has used a qualitative approach and grounded theory method to examine the conditions and grounds for the formation of the Kolbari phenomenon in Kurdish areas. The third category includes studies that have tried to reveal the grounds for the formation of Kolbari and its continuation using a critical approach. A review of the background indicates that this phenomenon has been studied in Iran using quantitative and qualitative approaches, but none of the aforementioned studies has paid attention to analyzing the lived experience of Kolbari.

\* Corresponding Author: f.mohamadi@cfu.ac.ir

**How to Cite:** Mohammadi, F; Ghaderzadeh, O. (2026). Living in the struggle between Life and Death: Phenomenology of the Lived Experience of Kolbars, *Journal of Social Development and Welfare Planning*,16(65), 227-260.

The present study is within the framework of a phenomenological approach. From Van Manen's perspective, individuals' life experiences can be analyzed under the concept of "lifeworld," which includes a world of lived experiences and has four aspects. These four aspects include "lived body," "lived space," "lived time," and "lived human relationships," which Van Manen emphasizes are interconnected and form a whole that can be placed around the concept of the lifeworld. Therefore, in analyzing the lived experience of Kolbars, these four aspects should be considered and taken into account; how Kolbars experience time and space and what their interpretation of it is, what their physical and bodily experience includes when they are Kolbars, and how they experience interaction and relationships with others.

### **3. Methodology**

In this study, interpretive phenomenology was used to achieve the answer to the problem and research objectives. To collect data, a semi-structured in-depth qualitative interview technique was used, and the interviews were collected in the form of audio files between 30 and 50 minutes. The participants in this study included those who were engaged in kolbari in Kurdish areas in 1400 and 1401. To select the samples, a purposive sampling method with maximum diversity or heterogeneity was used, and the thematic saturation criterion was used to determine the sample size. The research process proceeded in such a way that data saturation was achieved in 28 interviews. The maxqda 2020 software was used to analyze the collected data. Data analysis was also carried out in the form of open coding.

### **4. Results**

During the data analysis stage, 54 concepts were obtained and categorized into 10 categories. The results of the research indicate that the lived experience of the Kolbars includes themes such as lived inferiority, hostility, alienation, endless anxiety, constant suffering, lack of well-being, physical and spiritual erosion, trading life for bread, the meaninglessness of time, and the daily confrontation of death with life. These themes indicate the fact that the experience of the Kolbars is accompanied by suffering and exhaustion (physical depreciation), the decline and degeneration of lived human relationships (the death of lived relationships), the stripping of the day from life, and a different understanding of time (the meaninglessness of time), and living in an atmosphere overshadowed by death (a dead-like lived space).

**5. Conclusion**

kolbari does not only involve the experience of carrying goods in harsh mountainous conditions, but also involves binary oppositions; the oppositions of comfort-discomfort, future-present, honor-indignity, life-bread, and life-death, with bread (or livelihood) as the signifier and central element of all these oppositions. This lived experience is very different from the definition of kolbari as an economic activity in which people called Kolbars carry goods on their backs between the two sides of the border line for wages. This means that Kolbari is not a job, but a struggle to maintain life in the border areas, a fight that has turned Kolbars into the Sisyphus of the contemporary era. Therefore, the definition of kolbari must be reconsidered.

**Keywords:** Kolbari, Trading Life with Bread, Dead-like Lived Space, Physical Depreciation, Death of Lived Relationships.



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی  
دوره شانزدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۴۰۴، ص ۲۲۷-۲۶۰  
qjssd.atu.ac.ir  
DOI: doi.org/10.22054/qjssd.2025.81672.2614

## زیستن در کشاکش مرگ و زندگی؛ پدیدارشناسی تجربه زیسته کولبران

استادیار آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان،  
تهران، ایران

فردین محمدی \*

دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

امید قادرزاده

### چکیده

تحقیق حاضر سعی دارد که با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و بر مبنای روایت‌های مبتنی بر تجربه زیسته کولبران، شناختی عمیق و دقیق از تجربه زیسته کولبران و درک آنها از این پدیده حاصل گردد. برای ورود به میدان مطالعه نیز، از روش پدیدارشناسی تفسیری و برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق به شیوه نیمه ساخت‌یافته استفاده شد. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع انتخاب شدند و در نهایت با ۲۸ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه به عمل آمد و داده‌های گردآوری شده در قالب ۱۰ مقوله مضمون، کدگذاری و تحلیل شدند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که تجربه زیسته کولبران دربرگیرنده مضامینی مانند حقارت زیسته، دشمن‌انگاری، بیگانگی، اضطراب بی‌پایان، رنج مدام، فقدان رفاه، فرسایش جسمی-روحي، تجارت جان با نان، بی‌معنایی زمان و تقابل روزمره مرگ با زندگی است. این مضامین حکایت از این واقعیت دارند که تجربه کولبری، همراه با رنج و فرسودگی (استهلاک جسمی)، زوال و انحطاط روابط زیسته انسانی (مرگ روابط زیسته)، رخت برپستن روز از زندگی و درک متفاوت زمان (بی‌معنایی زمان) و زندگی در فضایی است که مرگ بر آن سایه انداخته است (فضای زیسته مرگ‌وار). بر این اساس کولبری تنها، شامل تجربه حمل کالا در شرایط سخت و دشوار کوهستانی نیست، بلکه دربرگیرنده تقابل‌های دوتایی است؛ تقابل‌های آسودگی-عدم آسودگی، آینده-حال، عزت-حقارت، جان-نان و زندگی-مرگ است که دال و عنصر محوری همه این تقابل‌ها نان (با همان معیشت) است. این بدان معناست کولبری شغل نیست بلکه جدالی برای حفظ زندگی در نواحی مرزی است، جدالی که کولبران را به سزیف‌های دوران معاصر تبدیل نموده است.

واژه‌های کلیدی: کولبری، تجارت جان با نان، فضای زیسته مرگ‌وار، استهلاک جسمی، مرگ روابط زیسته.

## مقدمه

استان کردستان از جمله استان‌هایی است که امروز به لحاظ توسعه‌یافتگی و اقتصادی وضعیت مطلوبی ندارد؛ به طوری که این استان به لحاظ توسعه انسانی در رتبه ۲۹ کشوری، به لحاظ سرانه تولید ناخالص ملی بدون نفت در رتبه ۲۸ کشوری، به لحاظ سهم بیست درصد فقیرترین جمعیت در رتبه ۳۱ کشوری و به لحاظ درآمد سرانه در رتبه ۲۷ کشوری قرار دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲). نگاهی به شاخص‌های اقتصادی استان کردستان و مقایسه آن با میانگین کشوری و حتی منطقه‌ای نیز حکایت از اوضاع نابسامان اقتصادی این استان دارد. در تشریح این آمار باید گفت در حالی که استان کردستان، دو درصد از جمعیت کشور را دارد، کمتر از یک درصد از تولید ناخالص ملی را در اختیار دارد، درآمد سرانه کردستانی‌ها کمتر از نصف میانگین درآمد سرانه کشور است، آمار بیکاری ۱۳ درصد است که پنجمین استان پرجمعیت بیکار کشور است و بیکاری جوانان رقم بالای ۲۵ درصد را دارد، شاخص توسعه انسانی استان جز توسعه‌نیافته‌ترین استان‌های کشور است. همه این آمارهای ناخوشایند در حالی است که کردستان حداقل از سه نظر، پتانسیل‌های ویژه‌ای برای برخورداری از اقتصادی پویا دارد: موقعیت مرزی، موقعیت ارتباطی - ترانزیتی و وجود منابع طبیعی، معدنی و پتانسیل‌های کشاورزی و دامداری (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲؛ خالدی، ۱۳۹۶: ۷۱).

شهرهای مرزی در مناطق گردنشین به دلیل موقعیت خود و همسایگی با مرزها همواره پتانسیل قاچاق کالا و تشکیل مشاغل غیررسمی را دارند. این نواحی به دلایل مختلفی کمتر توسعه‌یافته‌اند و همواره با مشکل کمبود مشاغل روبه‌رو هستند. وضعیت عدم توسعه‌یافتگی استان کردستان و سایر مناطق گردنشین و اقتصاد نابسامان آنها از یک سو، و موقعیت مرزی استان‌های گردنشین از سوی دیگر، سبب شده است که طی سال‌های اخیر در نواحی مرزی استان کردستان و مناطق گردنشین پدیده جدیدی به نام کولبری شکل گیرد که یکی از مشاغل کاذب و غیررسمی به شمار می‌آید (زارع‌شاه آباد و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۸). بنابراین کولبری محصول توسعه‌نیافتگی استان کردستان و مناطق گردنشین است و پیوندی

تنگاتنگ با این مسئله دارد. کولبری بیشتر در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه وجود دارد و کولبران بیشتر در این مناطق مشغول به این فعالیت هستند. در مناطق کردنشین، کولبر به افرادی گفته می‌شود که اقدام به حمل کالا بر شانه‌های خود و عبور از مرزهای ایران، عراق و ترکیه می‌کنند (Solimani & Mohammadpour, 2020: 2).

کولبری جزء مشاغلی است که از ویژگی‌هایی مانند خوداشتغالی، کاربر بودن، خدماتی بودن، کوچک‌مقیاس بودن، ورود آسان، مالکیت فردی و خانوادگی و ... و نیز تمامی شاخصه‌های اشتغال غیررسمی به لحاظ اقتصادی برخوردار است و با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی و عدم وجود زمینه‌های اشتغال رسمی در صنایع در استان کردستان این پدیده جایگزین مشاغل رسمی شده است (دلپسند و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). به همین دلیل امروزه شهروندان شهرهای مرزی استان کردستان و سایر مناطق کُردنشین برای گریز از بیکاری و از روی اجبار و استیصال و نیز لزوم تأمین نیازهای زیستی خود و خانواده‌شان و به دلیل زندگی در مناطق مرزی موقعیت مرزی به کولبری مبادرت می‌ورزند. امروزه کردستان به یکی از مراکز تمرکز اشتغال غیررسمی و کولبری در ایران تبدیل شده است.

کولبری یکی از مشاغل کاذب و خطرناک کشور است که در مناطق کردنشین شکل گرفته و به فعالیتی اقتصادی گفته می‌شود که افرادی بنام کولبر اقدام به حمل کالا بر پشت خود بین دو طرف خط مرزی برای دریافت دستمزد می‌کنند. کولبری به دو صورت رسمی و غیررسمی وجود دارد. در کولبری رسمی حمل کالا در بازارچه‌ها و به وسیله کارت تردد و در مسیرهای مشخص انجام می‌گیرد، ولی در کولبری غیررسمی حمل کالا به صورت قاچاق و از مسیرهای صعب‌العبور و ممنوع انجام می‌شود (زارع شاه‌آبادی و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۳۸). کولبری در کنار منافع محدود، مخاطرات بسیاری برای کولبران به همراه داشته و خواهد داشت. هر ساله بیش از ده‌ها نفر از کارگران کولبر جان خود را در مناطق مرزی در اثر حوادثی چون تیراندازی نیروهای نظامی و انتظامی و یا در اثر برخورد با مین‌های به‌جامانده از دوران جنگ تحمیلی و ... از دست می‌دهند. آمار به‌دست آمده در

زیستن در کشاکش مرگ و زندگی ... ، محمدی و قادرزاده | ۲۳۳

این حوزه بیانگر آن است که در سال ۱۴۰۱ میلادی ۲۹۰ کولبر و کاسبکار کُرد کشته و یا زخمی شده‌اند که ۴۶ مورد جانشان را ازدست داده‌اند و ۲۴۴ مورد نیز مجروح شده‌اند. این آمار نسبت به سال ۱۴۰۰ میلادی ۳۵٪ (۷۵ مورد) افزایش داشته است. (سازمان حقوق بشری هنگا، ۱۴۰۱/۰۸/۰۴).

با توجه به آن که کولبری از یک‌سو، در ایران در سال‌های اخیر به یک پدیده اقتصادی و سیاسی نیز تبدیل شده است و بازتاب زیادی در رسانه و فضای مجازی و انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری داشته است و از سوی دیگر، هر سال کولبران زیادی، جان خود را در این راه، از دست می‌دهند و خانواده‌های زیادی عزادار و بی‌سرپرست می‌شوند، و به‌مرورزمان عمق این رنج اجتماعی بیشتر و بیشتر می‌شود و این پدیده ابعاد جدیدتری مانند کولبری کودکان، کولبری دانش‌آموزان، کولبری زنان و کولبری دانشجویان پیدا می‌کند (سازمان حقوق بشری هنگا، ۱۴۰۱/۰۸/۰۴)، ضروری است که این پدیده و ابعاد مختلف آن به لحاظ علمی موردبررسی و واکاوی قرار گیرد تا جنبه‌های آشکار و نهان آن محرز و معلوم گردد.

بر مبنای مفروضات نوشتار حاضر، کولبری غیررسمی به‌مثابه یک کنش اجتماعی معنادار در نظر گرفته می‌شود که با انگیزه‌های ذهنی خاصی صورت می‌گیرد. بر این اساس، کولبری در یک بستر معنایی خاص و توسط یک کنشگر صورت می‌گیرد. با توجه به این مباحث نمی‌توان آن را صرفاً با یک رویکرد اتیک (نگاه از بیرون)، محقق محور و یک‌سونگر مورد مطالعه و بررسی قرار داد، بلکه اتخاذ رویکردی امیک (نگاه از درون)، از آن منظر حائز اهمیت است که به میانجی آن می‌توان به تجربه و درک افراد از کولبری نائل آمد و با بازسازی معنایی آن به این نکته مهم پی برد که این دسته از افراد چه تجربه و درکی از دنیای پدیداری خود دارند؟

### پیشینه تجربی پژوهش

درباره پدیده کولبری پژوهش‌های جامعه‌شناختی مختلفی صورت گرفته است که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم نمود:

دسته اول پژوهش‌های تبیینی هستند که با رویکرد کمی و با بهره‌گیری از روش پیمایش سعی نموده‌اند عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کولبری و راهکارهای آن را مورد بررسی قرار دهند. در این راستا می‌توان به پژوهش متقی و همکاران (۱۴۰۰)، خضرپور و همکاران (۱۳۹۷) و اصلانی‌اسملرز و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد.

نتایج این دسته از تحقیقات حاکی از آن است که عدم درآمد مناسب، عدم امنیت شغلی، عدم رضایت شغلی و توسعه‌نیافتگی همه‌جانبه عامل اصلی شکل‌گیری کولبری در مناطق کردنشین است. همچنین راهبردی‌ترین عوامل نیز در راستای رفع کولبری و مشکلات ناشی از آن عبارت‌اند از برقراری امنیت پایدار، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش سهم بودجه مناطق مرزی، ایجاد مناطق آزاد تجاری و توسعه صنعت گردشگری و اثرگذارترین بازیگران نیز عبارت‌اند از: دولت، مجلس و سپاه.

دسته دوم پژوهش‌های تفسیری هستند که با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری پدیده کولبری در مناطق کردنشین را بررسی نموده‌اند. در این راستا می‌توان به تحقیقات زارع شاه‌آبادی و محمدی (۱۴۰۰)، عنبری و عبده‌زاده (۱۳۹۹)، سلیمی و قدرتی (۱۳۹۹) و سلطانیان و مفاخری باشماق (۱۳۹۸) اشاره کرد. نتایج این دسته از تحقیقات بیانگر آن است که فقر اقتصادی و نبود منبع درآمد جایگزین؛ احساس تبعیض ساختاری؛ جبر محیطی و ضعف اشتغال صنعتی، کشاورزی و گردشگری؛ بازتولید جبری مرز؛ عقب‌نشینی دولت در حمایت از فقرا؛ رایج شدن سرمایه‌داری رانتیر در نبود سرمایه‌داری صنعتی؛ احساس طرد اقتصادی و فرهنگی از مهم‌ترین شرایط و مؤلفه‌هایی بودند که در شکل‌گیری پدیده کولبری نقش داشتند. بنابراین از دیدگاه این گونه از تحقیقات، کولبری رفتاری پرمخاطره است و به منزله امری تاریخی و

بسترمند، نتیجه واکنش‌ها و تعاملات کولبران منطقه به فرصت‌ها و محدودیت‌های وضعیت جغرافیایی، معیشتی، اقتصادی و سیاسی است.

دسته سوم، پژوهش‌هایی را شامل می‌شود که با رویکرد انتقادی سعی نموده‌اند زمینه‌های شکل‌گیری کولبری و تداوم آن را آشکار سازند. در این راستا می‌توان به تحقیقات قادرزاده و غیاثوند (۱۴۰۲)، قادرزاده، خانی و رسولی (۱۴۰۲) و سلیمانی و محمدپور (۲۰۲۰) اشاره کرد. نتایج این دسته از تحقیقات ضمن آن‌که بیانگر تجربه فرودستی، طرد، هراس، رنج و درد، رهاشدگی و لال‌شدگی از تجربیات مکرر کولبران است، حاکی از آن است اقدامات نهادی در میدان، دربرگیرنده بی‌اهمیت‌انگاشتن ارزش‌ها و ترجیحات کولبران است که این امر منجر به بی‌اعتمادی گسترده در بین کنشگران نسبت به کارگزاران نهادی شده است و از آنجا که کولبران دسترسی به منابع و قواعد ندارند و روابط اقتدارگرایانه - استثمارگرایانه میان کولبران و سایر بازیگران غیر نهادی و کارگزاران نهادی حاکم است، این امر منجر به بازتولید پدیده کولبری شده است. بنابراین کولبری بیشتر پدیده‌ای سیاسی است تا اقتصادی، زیرا این پدیده پدیده‌ای تحمیلی است و بر بحران نمایندگی (بازنمایی) سیاسی مناطق مرزی کردنشین دلالت دارد.

بررسی پیشینه تجربی پدیده کولبری بیانگر آن است که این پدیده در ایران با رویکردهای کمی و کیفی مورد بررسی قرار گرفته است، اما در هیچ‌کدام از تحقیقات مذکور، به تحلیل تجربه زیسته کولبران توجه نشده است. در تحقیق حاضر سعی بر آن است که با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و بر مبنای روایت‌های مبتنی بر تجربه زیسته کولبران، شناختی عمیق و مفصل از تجربه زیسته-کولبری و درک کولبران از این پدیده حاصل گردد.

### چارچوب مفهومی

تحقیق حاضر در چارچوب رویکرد پدیدارشناسی قرار دارد. این رویکرد بر این امر متمرکز است که انسان‌ها چگونه به تجربه‌های خود معنا بخشیده و چگونه آنها را به‌طور

فردی و جمعی (معنا مشترک آن تجربه‌ها) به آگاهی تبدیل می‌کنند. در این رویکرد، تجربه انسان‌ها و تفسیرشان از آن تجربه‌ها بسیار حائز اهمیت است (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۶۲، ۲۶۴). از دیدگاه ون‌مانن<sup>۱</sup> تجربیات زندگی افراد را می‌توان ذیل مفهوم «زیست جهان»<sup>۲</sup> که که دنیای از تجربه‌های زیسته را شامل می‌شود و دارای چهار وجه است، تحلیل کرد. این چهار وجه شامل «بدن زیسته»<sup>۳</sup>، «فضا زیسته»<sup>۴</sup>، «زمان زیسته»<sup>۵</sup> و «روابط انسانی زیسته»<sup>۶</sup> است که ون‌مانن تأکید می‌کند که با هم در ارتباط هستند و کلیتی را می‌سازند که می‌توان آن را حول مفهوم دنیای زندگی قرار داد.

از دیدگاه ون‌مانن، بدن زیسته، دلالت بر وجه فیزیکی حیات ما دارد، زیرا این کالبد زمینی جایگاهی برای تجربه ما از جهان است. آنچه می‌بینیم، می‌شنویم، لمس می‌کنیم، می‌بویم و می‌چشم محصول درک اندام‌های حسی ما از جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. زمان زیسته مبتنی بر تجربه ذهنی ما از زمان است. منظور از فضای زیسته نیز موقعیتی است که تجربه زیسته ما در آن شکل می‌گیرد، اما متفاوت با معنای جغرافیایی مکان است؛ زیرا آنچه این وجه را می‌سازد تأثیر متقابلی است که یک مکان مشخص بر احساس از بودن در آنجا می‌گذارد و دوم تأثیر احساس ما از بودن در آنجاست که به آن مکان معنا می‌بخشد. روابط انسانی زیسته دلالت بر همه رابطه‌ها و پیوندهایی دارد که هر یک از ما در طول زندگی با دیگران داشته‌ایم و زمان و مکانی را با آنها شریک بوده‌ایم. بنابراین در تحلیل تجربه زیسته کولبران بایستی این چهار وجه مورد توجه و عنایت قرار گیرد؛ به طوری که کولبران زمان و فضا را چگونه تجربه می‌کنند و چه تفسیری از آن دارند، تجربه جسمی و بدنی آنها هنگام کولبری دربرگیرنده چیست و تعامل و روابط با دیگران را چگونه تجربه می‌کنند (هدایت، ۱۴۰۲: ۳۹۰).

- 
1. Van Manen
  2. lifeworld
  3. lived body
  4. lived space
  5. lived time
  6. lived human relations

پدیدارشناسی رهیافتی کل‌گرایانه برای تأکید بر فردیت یک تجربه است که به واسطه و در بدن، در فضا و زمان خاصی دریافت می‌شود. فاینلی<sup>۱</sup> اظهار می‌دارد که پدیدارشناسان علاقه‌مند به تجربه‌های زیسته تجسد یافته و معنای تجربه هستند، چرا که بدن ما وسیله تجربه، انجام، بودن و شدن است، بدن آگاهی تجسم یافته است. انسان یک کل واحد است، شخص بدن را ندارد، او خودش بدن است، بدنی با ابعاد روانی، زیستی و اجتماعی در هم تنیده. پدیدارشناسان بین بدن مرئی که ابژه‌ای برای دیگران است و بدن تجربی تفاوت قائل می‌شوند، بدن مرئی بدنی است که ما داریم، ابژه‌ای متشکل از استخوان‌ها و اعصاب و خون و پوست؛ و بدن تجربی بدنی است که ما هستیم، بدن زیسته ما به عنوان یک سوژه. بدن زیسته بدنی است که آنچه را که تجربه می‌شود تجربه می‌کند، در حالی که بدن عینی بخشی از بدن است، در تجربه درد از هم گسیخته می‌شود (خالق‌پناه، ۱۳۹۹: ۱۵۵-۱۵۶).

با توجه به آن که کولبری غیررسمی یکی از مشاغل کاذب و خطرناک کشور است، می‌توان گفت که کولبران در فضای غیرمعمولی و ناامن اقدام به کولبری می‌کنند. در این راستا لوفور<sup>۲</sup> معتقد است فضا یک تولید اجتماعی است و به صورت اجتماعی تولید شده و در زمینه اجتماعی مشخص قابل درک است (Schmid, 2008: 28-29). به لحاظ پدیدارشناسی وی معتقد است که کنشگران فضا را به سه صورت فضای ادراک شده<sup>۳</sup>، فضای تصور شده<sup>۴</sup>، و فضای زیسته<sup>۵</sup> درک می‌کنند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. فضای درک شده یعنی آن که انسان‌ها فضا (تصویر، منظره، بنای تاریخی) را از طریق حواس چگونه درک می‌کنند. این بُعد از فضا را می‌توان به کمک حواس به دست آورد. فضای تصور شده بدان معناست که فضا را بدون آن که از پیش آن را در اندیشه تصور کرده باشیم، نمی‌توان درک کرد. وجه فضای زیسته بر جهان دلالت دارد؛ آن‌طور که از سوی

- 
1. Finlay
  2. Henri Lefebvre
  3. Perceived space
  4. Conceived space
  5. lived space

انسان‌ها در کنش زندگی روزمره‌شان تجربه می‌شود (شجاعی‌وند، روستایی و اصغری زمانی، ۱۳۹۷: ۱۵).

نگرانی در فضای غیرمعمولی و ناامن کولبری، امری است که همواره خودنمایی می‌کند. بونکه<sup>۱</sup> از جمله اندیشمندانی است که کوشیده است ساختار حاکم بر نگرانی‌های افراد را کشف کند. از نظر او، ساختار این مفهوم واجد دو جنبه است: یکی قلمروی و دیگری ذهنی. منظور او از قلمروهای نگرانی حوزه‌هایی است که افراد را دل‌مشغول کرده است. نداشتن امنیت، سلامت و رفاه اقتصادی موضوعاتی است که هر یک ممکن است فرد را نگران کند. جنبه دیگر نگرانی‌های ذهنی افراد است که ممکن است درباره خود یا نزدیکان (نگرانی‌های خرد) یا نگرانی درباره جامعه یا دنیا باشد (نگرانی‌های کلان). بنابراین به‌زعم بونکه برای به وجود آمدن نگرانی حداقل یک جنبه ذهنی و یک جنبه قلمروی لازم است (Boehnke, 1998: 778).

مرگ و ترس از آن نیز از جمله حالاتی است که در تجربه زیسته کولبران نمایان است. نوربرت الیاس معتقد است این که یک فرد چگونه می‌میرد نیز بسیار حائز اهمیت است. از دیدگاه وی چگونه مردن یک فرد بیش از همه درگرو آن است که آیا و تا چه حد آن فرد توانسته در طول زندگی‌اش هدف و آرمانی برای خود دست‌وپا کند و به آنها برسد. آیا و تا چه حد توانسته تکالیف و وظایفی بر دوش خود نهد و آنها را تحقق بخشد. این بسته به آن است که شخص محض تا چه حد احساس کند که زندگی‌اش پُر بار و بامعنا - یا بی‌ثمر و بی‌معنا - بوده است. از دیدگاه الیاس آنانی که احساس می‌کنند در زندگی، بارشان را به مقصد رسانده‌اند از آنانی که احساس می‌کنند هدف زندگی‌شان را گم کرده‌اند به مراتب آسان‌تر جان می‌دهند، جان سپردن و مردن خاصه برای کسانی دشوار است که گرچه ممکن است حیاتی پُر بار را پشت سر گذاشته باشند، اما احساس می‌کنند شیوه مردن‌شان، خود را از معنا تهی کرده است (الیاس، ۱۳۹۸: ۸۷).

---

1.Boehnke

با توجه به اتخاذ رویکرد پدیدارشناسی و مرور پیشینه تجربی تحقیق، در تحقیق حاضر از مفاهیم تجربه، بدن زیسته، زمان زیسته، فضا زیسته، روابط انسانی زیسته، نگرانی و ترس از مرگ به مثابه چارچوب مفهومی بهره گرفته شد.

### روش تحقیق

در این پژوهش جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از پدیدارشناسی تفسیری استفاده گردید. پدیدارشناسی تفسیری بر این امر تأکید دارد که پدیدارشناسی صرفاً یک توصیف نیست، بلکه فرایندی تفسیری است که پژوهشگر در آن به تفسیر معنای تجارب زیسته افراد (به دلیل عدم امکان تقلیل کامل) در بستر فرهنگی-اجتماعی آنها یا دوره تاریخی که در آن زندگی می کنند، می پردازد. بنابراین تحلیل پدیدارشناسی تفسیری دلالت بر این امر دارد که پیگیری تجارب ذهنی مشارکت کنندگان همیشه متضمن انگاره‌ها، جهت گیری‌ها و مفروضات محقق است. از آنجایی که این روش روی تجارب ذهنی افراد و گروه‌ها متمرکز است، تلاشی است برای رونمایی از جهان بدان شیوه که توسط سوژه‌ها به تجربه درآمده است به میانجی داستان‌هایی که از زیست-جهان شان دارند (kafle, 2001: 186).

برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه کیفی عمیق به شیوه نیمه ساخت یافته استفاده گردید و مصاحبه‌ها در قالب فایل صوتی بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه گردآوری شدند. مشارکت کنندگان در این پژوهش، شامل آن دسته از کولبرانی است که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در مناطق کردنشین مشغول به کولبری بودند. جهت انتخاب نمونه‌ها نیز از روش نمونه گیری هدفمند<sup>۱</sup> با حداکثر تنوع یا ناهمگون استفاده گردید (Birks & Mills, 2011: 70)، به طوری که سعی گردید کولبران از رده‌های سنی، سطوح تحصیلی و از شهرهای مختلف انتخاب شوند. این امر سبب می شود که نتایج فقط محدود به گروه خاصی از

۲۴۰ | فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی | سال شانزدهم | شماره ۶۵ | زمستان ۱۴۰۴

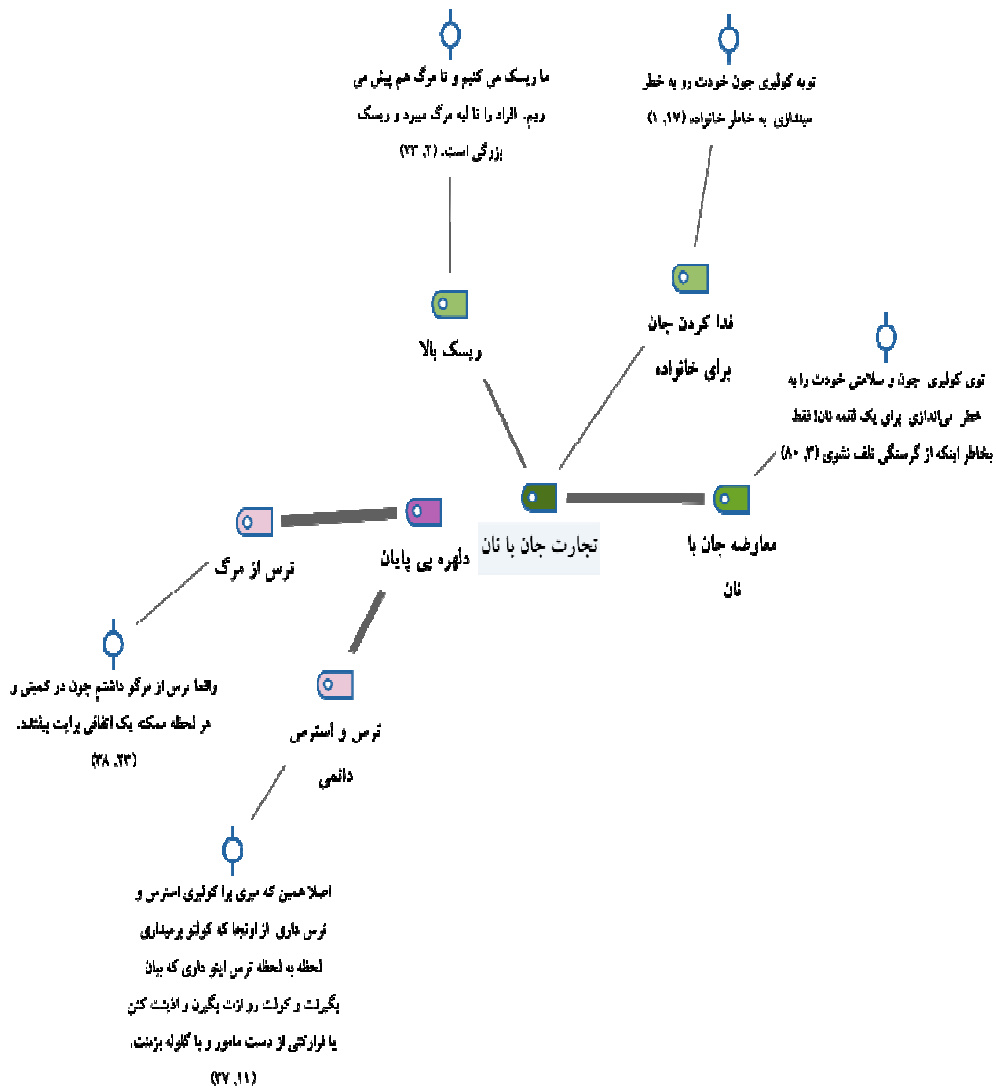
کولبران نباشد و جنبه فراگیری داشته باشد و دربرگیرنده ادراکات گروه‌های مختلفی از آنها باشد. برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع تماتیک بهره گرفته شد. روند پژوهش به گونه‌ای پیش رفت که در مصاحبه ۲۸ اشباع داده‌ها حاصل شد. یعنی هیچ ایده و بینش جدیدی از گسترش بیشتر نمونه‌ها حاصل نگردید (Glaser & Strauss, 1967: 61)؛ محمدپور، ۱۳۸۹: ۳۲۵).

جدول ۱- مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	شهر	سن	تحصیلات	ردیف	شهر	سن	تحصیلات
۱	بانه	۴۸	ابتدایی	۱۵	سروآباد	۴۳	راهنمایی
۲	سقز	۲۶	دیپلم	۱۶	سروآباد	۴۰	ابتدایی
۳	سنندج	۴۳	دیپلم	۱۷	جوانرود	۲۴	کارشناسی
۴	مریوان	۳۷	ابتدایی	۱۸	بانه	۵۰	ابتدایی
۵	بانه	۳۲	ابتدایی	۱۹	بانه	۳۰	دیپلم
۶	بانه	۳۸	ابتدایی	۲۰	مریوان	۲۲	دانشجوی کارشناسی
۷	پاوه	۲۲	دانشجوی کارشناسی	۲۱	مریوان	۲۳	دانشجوی کارشناسی
۸	بانه	۲۴	کاردانی	۲۲	اورامان	۲۶	دانشجوی کارشناسی
۹	بانه	۲۰	دیپلم	۲۳	بانه	۲۳	دانشجوی کارشناسی
۱۰	مریوان	۳۶	دیپلم	۲۴	مریوان	۵۴	راهنمایی
۱۱	مریوان	۵۳	دیپلم	۲۵	بانه	۳۰	کارشناسی ارشد
۱۲	مریوان	۳۳	راهنمایی	۲۶	بانه	۵۰	ابتدایی
۱۳	اورامان	۲۵	دیپلم	۲۷	بانه	۱۶	ابتدایی
۱۴	مریوان	۳۰	راهنمایی	۲۸	بانه	۳۵	راهنمایی







شکل ۴- نحوه مفهوم بندی و مقوله‌بندی داده‌ها در نرم‌افزار مکس کیودی‌ای

در نهایت در این مرحله ۱۰ مقوله به دست آمد. در این پژوهش برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد از روش‌های تحلیلی، تکنیک ممیزی و اعتباریابی اعضا بهره گرفته شد، به طوری که به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت‌بندی مقوله‌ها با داده‌های خام مقایسه و

ارزیابی گردد (مقایسه‌های تحلیل). همچنین در مراحل تحقیق چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای، برای مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات، نظارت داشتند (استفاده از تکنیک ممیزی<sup>۱</sup>). در مرحله پایانی نیز نتایج تحقیق برای ارزیابی و تعیین صحت، در اختیار شماری از مشارکت‌کنندگان قرار داده شد که آنها را تأیید کردند (اعتباریابی از سوی اعضا).

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های تجربه زیسته کولبران

مضامین	مفاهیم
اضطراب بی‌پایان	فشار عصبی، عدم آرامش ذهنی، ترس از مرگ، ترس و استرس دائمی، ترس از اسارت، ترس بابت خانواده.
فرسایش جسمی-روحی	خستگی جسمی-روحی آغازین، بیماری روحی-روانی، بیماری جسمانی، فرسودگی و استهلاک، تحلیل قوای جسمانی، احساس نابودی و ذلالت.
تجارت جان با نان	فدا کردن جان برای خانواده، ریسک بالا، احتمال دستگیری و اصابت گلوله، تجارت جان با نان.
بیگانگی	عدم شناخت مارک کالا، عدم آگاهی از جزئیات کالا، عدم شناخت صاحب کالا.
تقابل روزمره مرگ-زندگی	مواجهه با مرگ، خداحافظی دردناک
حقارت زیسته	عدم تعهد صاحبان بار در برابر جان کولبران، ضمانت عدم دزدی از بار، بازدید بدنی، عدم مقبولیت کولبری برای ازدواج، احساس حقارت، احساس نداشتن منزلت اجتماعی.
دشمن‌انگاری	مواجهه با کمین مرزبانان، تعقیب و گریز، فرار از دست مرزبانان، فحاشی، برخورد خشونت‌آمیز مرزبانان، توهین، دستگیری و جریمه، اسارت و زندان، آتش زدن بار، کتک زدن.
رنج مدام	سختی تردد، زخم و جراحت، سختی و مشقت، آرزوی مرگ، به‌مراتب سخت‌تر از کوهنوردی، حمل کالا با سختی زیاد، ترجیح دستگیری بر سختی.
فقدان رفاه	عدم لذت از زندگی، عدم استراحت مناسب، نبود فراغت
بی‌معنایی زمان	آینده مبهم، زندگی توأم با استرس، احتمال عدم بازگشت، گُندی زمان، انتظار طولانی برای اتمام کمین، به‌هم‌ریختگی زمان، تردد شبانه،

## داده‌ها و یافته‌ها

تشریح مقوله‌های به‌دست‌آمده در تحقیقات کیفی یکی از مهم‌ترین مراحل در تحقیقات کیفی به شمار می‌آید. بنابراین در این بخش مقوله‌های مذکور مورد تشریح قرار می‌گیرند.

### ۱. اضطراب بی‌پایان

تجربه کولبران تجربه‌ای آکنده از ترس، نگرانی و اضطراب است. این ترس و دلهره همواره با آنهاست چه در هنگام کولبری، چه در هنگام استراحت. آن‌ها در هنگام کولبری با وجودی مملو از ترس و نگرانی بار را به دوش می‌کشند و همواره از این که با مشکلی مواجه شوند، دلهره دارند. ترس کولبران صرفاً از نیروهای مرزبانی نیست، بلکه آنها از کوه‌های سر به فلک کشیده، از گردنه‌های پُر پیچ‌وخم، آب‌وهوای سرد و یخبندان طبیعت نیز می‌ترسند.

بنابراین ترس و دلهره آنها، ترس و دلهره‌ای است همه‌جانبه و فراگیر. آن‌ها از این که توسط مرزبانان و سایر نیروهای مرزی دستگیر و بازداشت شوند، یا در اثر سانحه‌ای جان خود را از دست دهند و دیگر خانواده‌هایشان را نینند، واهمه دارند. به همین دلیل در لحظاتی که بار را به دوش دارند به این موضوع می‌اندیشند که در صورتی که در این کوه‌های سر به فلک کشیده دچار سانحه‌ای شوند یا به دست مرزبانان کشته شوند، خانواده‌هایشان چگونه زندگی را خواهند گذراند. این بدان معناست که آنها از سرنوشت نامعلوم خانواده خود نیز می‌ترسند.

«همون لحظه که از خونه می‌ای بیرون تا وقتی که برمی‌گردی ترس داری که  
مأمور دستگیرت نکنه یا تیر بخوری یا از بلندی یا تخته سنگی بیوفتی پایین» (۱۳).  
«اما ترسم به خاطر خودم نبود تنها از این ترسیدم که بعد از خودم زندگی  
خانواده‌ام را چه کسی اداره می‌کنه» (۲۶).

## ۲. فرسایش جسمی-روحي

تجربه کولبری دربرگیرنده بیماری‌های جسمی-روحي است. به عبارت دیگر، حمل بارهای سنگین، کارهای طاقت‌فرسا و پیاده‌روی طولانی به‌ویژه در فصل سرما به تدریج موجب تحلیل نیروی جسمانی کولبران و استهلاک و فرسودگی کولبران می‌شود و همین امر در مدت‌زمانی نه آنچنان طولانی موجب می‌شود که آنها دچار انواع بیماری‌های جسمانی مانند دیسک کمر، آرتروز، سردرد، پادرد شوند؛ بیماری‌هایی که هزینه درمان آنها، بسیار بالاست و بیشتر از درآمد کولبران است. کولبران علاوه بر مخاطرات جسمی با فشارهای عصبی، ترس و اضطراب و به‌طور کلی دلهره بی‌پایان روبرو بوده هستند.

«من الآن خودم پام درد می‌کنه، احساس می‌کنم به خاطر آرتروزه، همش به خاطر سرمای برف و کولبریه» (۱۲).

«دیسک کمر گرفتم و به سختی می‌تونم کالا را حمل کنم و شرایطم خیلی بد شده» (۲۶).

## ۳. تجارت جان با نان

کسب درآمد و تأمین معاش کولبران و خانواده‌های آنها فقط متکی بر نیروی جسمانی نیست، بلکه مستلزم خطر کردن و دل به دریا زدن است. کولبران باید جان خود را بر کف دست بگذارند و به مبارزه با مرگ بروند تا بتوانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند. کولبران باید از خطراتی که در مسیرهای پُر پیچ‌وخم، گردنه‌های خطرناک و کمین نیروهای مرزی نهفته است، جان سالم به در ببرند تا دستمزد خود را دریافت کنند. گویا دستمزد آنها وابسته به سلامتی جان آنهاست، البته جانی که کول سالم را نیز به همراه خود آورده است. این بدان معناست که کولبران با جان خود به تجارت می‌پردازند و حاضرند در قبال درآمد و دستمزد جان خود را بدهند.

«جون خودتو میداری که جلو خانواده و زن و بچه‌ت شرمنده نشی. جونت رو گرو میداری برای اینکه نونی بیاری سر سفره زن و بچه‌ت». (۱۳).

«مثلاً پیش اومده که حتی وقتی که هیچ کول همراه خودمون نداریم تا سر حد مرگ رفتیم، بعد پیش اومده که از طرف مرز عراق که خواستیم برگردیم خونه، رسیدم دم کانال که یه سری رد میشن بعد یه سری دوباره برمیگردن که نتونستن از مرز دوباره رد بشن، بعد هم یه سری گرفتار مامورا میشن، بهشون شلیک میشه یا اینکه از ارتفاع و صخره می‌افتن پایین» (۴).

#### ۴. بیگانگی

کولبران باری را حمل می‌کنند که شناخت دقیقی از آن ندارند. در واقع آن‌ها نمی‌دانند که این بار متعلق به کیست، سازنده آن کیست و مقصد آن کجاست. حتی نمی‌دانند که این بار به لحاظ رنگ، اندازه و شکل دربرگیرنده چه ویژگی‌هایی است. آن‌ها هرگز بار را نمی‌بینند، بلکه فقط آن را به دوش می‌کشند. گاهی اوقات کالایی را نیز حمل می‌کنند که کاربرد آن یا نحوه استفاده از آن را هم نمی‌دانند. آن‌ها فقط از جنس بار (پوشاک، تلویزیون، کفش، پارچه و غیره) اطلاع دارند. عدم اطلاع و بی‌خبری کولبران از مالک، سازنده، مقصد، نحوه استفاده و ویژگی‌های بار بیانگر بیگانگی آن‌ها از کالا است؛ کالایی که ضمن آن که ساعت‌ها آن را به دوش می‌شکنند، با جان خود نیز به تجارت آن رفته‌اند.

«ما صاحب اصلی بار رو نمی‌شناسیم اون یه رابط داره به نفر مثل دلال که پول میده به اون رابط که یه سری کولبر بگیره تا بارو براش بیارن. صاحب اصلی رو نمی‌شناسیم اما اکثراً مغازه‌دار و تاجر هستن». (۲۰).

«ما حتی نمی‌دونیم که این کالا ساخت کجاست» (۲۷).

#### ۵. تقابل روزمره مرگ-زندگی

زندگی کولبران آکنده از تقابل مرگ-زندگی است. آن‌ها هر بار که به کولبری

می‌روند از آنجا که خطرات زیادی در کمین آنهاست و ممکن است به دلیل مواجهه با این خطرات، جان خود را از دست دهند، با خانواده خود خداحافظی می‌کنند، البته خداحافظی آنها به معنای جدایی موقت نیست، بلکه به معنای طلب حلالیت و وداع با خانواده است. آن‌ها با هر بار رفتن به کولبری، انتظار این که سالم به آغوش خانواده برگردند را ندارند و از این بابت همواره در عذابند و با چشمان گریان و گلوئی آکنده از بغض از خانواده جدا می‌شوند. این امر سبب شده که فضای زیسته کولبران فضایی آکنده از استرس، وداع و خداحافظی باشد.

«اکثر وقت‌ها وقتی میرم از اینجا از پدر و مادرم و خانواده خداحافظی می‌کنم، مادر جان حلالم کن، پدر جان حلالم کن. خداحافظی می‌کنم باهاشون چون با جان خودت بازی می‌کنی تجربه من آینه که واقعاً سختی و عذابی که در کولبری هست دردی که در کولبری هست توی هیچ چیز دیگه‌ای نیست به نظرم» (۲۰).

«سختی هست، سختی خیلی زیادیم داره، ما وقتی میرم اونجا همین که می‌گیم به خانواده‌مون حلالم کنید، از پیششون میری خودش سختی و عذابه» (۲۰).

## ۶. حقارت زیسته

تجربه زیسته کولبران دربرگیرنده حقارتی است که با تمام وجود خویش حس می‌کنند. حقارت زیسته کولبران از سوی گروه‌های مختلفی اعمال می‌شود: از یک‌سو، مردم کولبران را تحقیر می‌کنند و به عنوان انسان‌های دون‌پایه نگاه می‌بینند که فاقد توانایی و شایستگی هستند. گاهی اوقات شدت این حقارت آن‌قدر بالاست که کولبران را با حیوانات برابر مقایسه می‌کنند و آنها را حیوانات دو پا می‌نامند. از سوی دیگر، نیروهای مرزبانی به آنها به مثابه دشمن نگاه می‌کنند، انواع توهین، تهدید و خشونت را در حق آنها روا می‌دارند، آن‌ها را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، و به آنها فحش و ناسزا می‌گویند، گویی که کولبران، دشمنانی از بلاد کفر هستند که از آن سوی مرز به کشور حمله‌ور شده‌اند و تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته‌اند.

«احساس حقارت می‌کنم چون واقعاً احساس انسان بودن نمی‌کنی و اینو تو درون خودت حس می‌کنی که مثلاً یک حیوان باهات رفتار میکنی» (۲۳).

احساس حقارت کولبران از سوی صاحبان بارها نیز به اشکال مختلفی اعمال می‌شود؛ هنگام تحویل گرفتن بار و هنگام تحویل دادن بار؛ هنگام تحویل گرفتن بار باید فردی مطمئن، صداقت، توانایی و درستکاری آنها را تضمین نماید و هنگام تحویل دادن بار نیز باید صداقت و درستکاری آنها باید اثبات شود آن‌هم از طریق بازدید بدنی. اوج احساس حقارت زمانی است که صاحبان بار برای جان کولبران ارزشی تا حد یک میلیون تومان قائلند؛ همان یک میلیون تومانی که برای تحویل بار متعهد شده‌اند. همه این موارد موجب شده که این احساس در وجود کولبران شکل گیرد که نه تنها شغل آن‌ها بی‌ارزش است بلکه خود آنها نیز ارزش چندانی ندارند، در جهان اجتماعی فاقد منزلت اجتماعی هستند، به‌مثابه موجودی دون‌پایه نگریسته می‌شوند و نگاه جامعه به آنها نگاهی است تحقیرآمیز. لذا از این بابت همواره احساس حقارت می‌کنند.

«اول که این کار را شروع کردیم مأموران به ما می‌گفتند خرابی دم و ما را خر خطاب می‌کردند» (۵).

## ۷. دشمن انگاری

برخورد نیروهای مرزی با کولبران آنچنان ناشایست و خشونت‌آمیز است که گویی با دشمن خارجی روبرو شده‌اند. این برخورد خشونت‌آمیز که همراه با تهدید، اهانت، کمین، مین‌گذاری، شلیک، بازداشت، اسارت و قتل جوانان و سالخورده‌گان و آتش زدن بار آنها است، آنچنان زننده است که این حس را به کولبران القا نموده که هیچ‌گونه سنخیت و مقاربتی بین آنها و نیروهای مرزی وجود ندارد، و تنها چیزی که وجود دارد دشمنی است. این‌گونه برخورد موجب شده که کولبران این احساس را که نیروهای مرزی آنها را به‌مثابه دشمن تلقی می‌کنند، دریابند. نیروهای مرزی کولبران را دشمنانی می‌دانند که وارد قلمرو سرزمینی ایران شده‌اند.

«اصلاً خوب نبوده. من خودم بهم فحش دادن، کتکم زدن یعنی هر فحشی که از دهنشون بیاد میدان تا سرحد مرگ میزننت» (۱۲).

«والا ما تا حالا روی خوش از هیچ کدومشون ندیدیم. خیلی وقت‌ها کتک خوردیم از دستشون خیلی وقتاً هم فرار کردیم. هیچ وقت با ما خوب نبودند» (۱۴).

## ۸. رنج مدام

تجربه کولبری تجربه‌ای است همراه با سختی و مشقت چندجانبه. از یک سو، باید با ناهمواری‌ها و ناملاطی‌های طبیعت از جمله کوه‌های سر به فلک کشیده، گردنه‌های خطرناک و مرتفع، آب و هوای بسیار سرد و یخبندان دست‌وپنجه نرم کنند و سختی‌های آن را به جان بخرند، از سوی دیگر، باید کالاهای سنگینی را برای مدتی طولانی در مسیری ناهموار و در فضای تاریک به دوش بکشند. این شرایط موجب شده که کولبران کولبری را همانند کوهنوردی بدانند البته سخت‌تر از کوهنوردی، چون که آنها با کمترین امکانات و در فضای تاریک از کوه‌های ناهموار بالا می‌روند.

«مثلاً تو زمستون روی زمین برف بوده توی برف ۲، ۳ ساعت نشستیم منتظر

بودیم تا مامورها برن بعد حرکت کردیم تا به مقصد برسیم» (۱۱).

علاوه بر این سختی‌ها، کولبران رنج‌های ناشی از کمین و تعقیب و گریز را نیز متحمل می‌شوند، چون که گاهی اوقات همراه با باری که به دوش می‌کشند، ساعت‌های طولانی در کمین مأموران گرفتار شده‌اند و یا از دست مأموران فرار کرده‌اند. گاهی اوقات کمین آن‌قدر طولانی شده که کولبران آرزوی مرگ کرده‌اند و یا حاضر شده‌اند که خودشان را تسلیم نیروهای مرزی کنند. همه این‌ها بیانگر رنج بی‌پایانی است که گریبانگیر کولبران شده است.

«مسیرمون واقعاً خیلی سخته راهمون یک مسیر صاف و هموار نیست که به

آسانی بریم و بیایم واقعاً سخته مسیرمون، بعضی جاها هست باید دستت رو به

سنگی چیزی بند کنی خودتو بکشی بالا» (۱۵).

## ۹. فقدان رفاه

تجربه کولبری از یک سو، دربرگیرنده کار سخت، طولانی، طاقت فرسا است و از سوی دیگر، فاقد درآمدی است که کولبران زندگی مرفه و راحتی داشته باشند. همین امر موجب شده که کولبران برای کسب درآمد مناسب همواره در تلاش و کوشش باشند. این تلاش و کوشش بی پایان موجب شده که کولبران فراغت و استراحت خود را فدای کار و درآمد کنند و تجربه لذت بخشی از زندگی نداشته باشند. به عبارت دیگر، تجربه کولبری، تجربه ای عاری از آسایش، رفاه و آرامش است.

«با این شرایط کاری هیچ وقت کرایه خونه و خرج زندگی رو نمیشه تأمین کرد به همین خاطر باید از بسیاری از چیزها مثل تفریح و استراحت بگذرم» (۴).  
«تأثیر منفی داره چون مثلاً شبها میریم کولبری، زمانی برای استراحت و مهمانی و صله رحم و وقت گذاشتن برای خانواده نداریم» (۶).

## ۱۰. بی معنایی زمان

درک زمان برای کولبران بسیار متفاوت از تصور عامه است؛ در واقع ریتم زمان برای یک کولبری بسیار آهسته است. کولبری فرایندی طاقت فرساست که در آن دقیقه ها برای کولبران کُند می گذرد. شبانگاه تنها زمان عجیب با کولبر است گویی روز از زندگی آنها رخت بر بسته است.

«وقتی راه می افتیم میگم چن ساعته، بار رو تحویل می دهم و بعدش خونه ام، اما این چن ساعت به اندازه یه عمر می گذره» (۱۷).  
«ما در روز فقط یک بار می تونیم از مرز ردشیم اون هم فقط شب هاست و خیلی سخت و عذاب آور است» (۱).  
«بعضی وقتا بوده من ساعت ۹ شب رفتم ساعت ۶ صبح برگشتم خونه، وقتی برگشتم خوابیدم تا ساعت ۴ عصر روز بعد، وقتی بیدار شدم بدنم درد می کرده اما بازم شبش دوباره رفتم با اون درد و مجبور بودم که اون کار رو دوباره انجام بدم» (۲۰).

### مضامین هسته

می‌توان این مضامین را در چند مضمون هسته دسته‌بندی نمود که بیانگر ابعاد تجربه زیسته کولبران است. تحلیل مقوله‌ها بیانگر آن است که بدن کولبران اساسی‌ترین بخش وجودی آنهاست که کولبری را درک و تجربه می‌کند (بدن زیسته). بدن زیسته دلالت بر وجه فیزیکی حیات کولبران دارد و دربرگیرنده تجربه فیزیکی و حسی آنها از کولبری است که بر محوریت بدن قرار دارد. تجربیات اضطراب‌بی‌پایان، فرسایش جسمی-روحي، فقدان رفاه و رنج مدام بیانگر آن است که تجربه کولبری، همراه با رنج‌دیدگی، فرسودگی، استهلاک بدنی است (استهلاک جسمی).

یکی دیگر از وجوه زیست‌جهان کولبران، روابط انسانی است. روابط انسانی زیسته دلالت بر همهٔ رابطه‌ها و پیوندهایی دارد که کولبران در طول حیات کولبری با دیگران داشته‌اند و زمان و مکانی را با آنان شریک بوده‌اند. تجربیات تجارت جان با نان، بیگانگی، حقارت زیسته و دشمن‌انگاری بیانگر زوال و انحطاط روابط زیسته انسانی کولبران است (مرگ روابط زیسته).

یکی دیگر از وجوه زیسته کولبران، بُعد زمانی است. زمان زیسته مبتنی بر تجربه ذهنی کولبران از زمان است. تجربه کولبری تجربه‌ای است که در آن زمان معنای واقعی خود را از دست داده است (بی‌معنایی زمان). یکی دیگر از وجوه زیست‌جهان کولبران، فضایی است که در آن تعامل می‌کنند (فضای زیسته). فضای زیسته برای کولبران بیانگر آن است فضای زیسته نیز موقعیتی است که تجربه‌های زیسته کولبران در آنجا شکل می‌گیرد، اما متفاوت با معنای جغرافیایی مکان است؛ زیرا دربرگیرنده تأثیر متقابل است؛ تأثیر مکان بر احساس کولبران از بودن در آنجا و تأثیر احساس کولبران از بودن در آنجا است که به آن مکان معنا می‌بخشد. تجربه تقابل روزمره مرگ-زندگی بیانگر آن است که فضای زیسته کولبران، فضایی است که مرگ بر آن سایه انداخته است (فضای زیسته مرگ‌وار).

جدول ۳- مضامین هسته تجربه زیسته کولبران

ردیف	مضامین	مضامین هسته
۱	دلهره بی‌پایان، فرسایش جسمی-روحی، فقدان رفاه، رنج بی‌پایان	استهلاک جسمی
۲	تجارت جان با نان، بیگانگی، حقارت زیسته، دشمن‌انگاری	مرگ روابط زیسته
۳	تقابل روزمره مرگ-زندگی	فضا زیسته مرگ‌وار
۴	بی‌معنایی زمان	بی‌معنایی زمان

### تفسیر مضامین و تجربه زیسته کولبران

تجربه زیسته کولبران دربرگیرنده مضامینی مانند حقارت زیسته، دشمن‌انگاری، بیگانگی، اضطراب بی‌پایان، رنج مدام، فقدان رفاه، استهلاک جسمی-روحی، تجارت جان با نان و تقابل روزمره مرگ با زندگی است. این بدان معناست که کولبری تنها، شامل تجربه حمل کالا در شرایط سخت و دشوار کوهستانی نیست، بلکه دربرگیرنده تقابل‌های دوتایی است؛ تقابل‌های لذت-رنج، آینده-حال، عزت-حقارت، جان-نان و زندگی-مرگ است که دال و عنصر محوری همه این تقابل‌ها نان (یا همان معیشت) است. تقابل‌هایی که یک‌سوی آن وجوه منفی و سوی دیگر، آن وجوه مثبت است. نکته حائز اهمیت آن است که عنصر و دال مورد منازعه در این تقابل‌ها نان و معیشت است؛ گویا کولبری جدال برای زندگی است. البته کولبران این تقابل‌های دوتایی را برای حفظ خانواده و آرامش فرزندان به معاوضه تبدیل کرده‌اند. کولبران عزت، آرامش، جان و آینده خود را که دربرگیرنده بار معنایی مثبت هستند برای حفظ زندگی با اموری مانند حقارت، رنج و نان معاوضه و معامله می‌کنند. معامله‌ای که درعین حال که اختیاری است، اجباری است. در این معامله سود چندانی نیز نصیب آنها نمی‌شود؛ در صورت موفقیت مبلغی ناچیز (حداقل سیصد هزار تومان و حداکثر یک میلیون تومان) به دست می‌آورند و در صورت شکست و ناکامی موظف به دادن خسارت یا عدم دریافت دستمزد هستند. گاهی اوقات نیز عضوی از بدن یا جان خود را از دست می‌دهند.

تأمل در این تقابل‌ها حکایت از آن دارد که این تقابل‌ها برساخت‌های اجتماعی هستند. در واقع ظلم و اجحافی هستند برآمده از میدان‌های سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی و با محتوای سیاسی-اقتصادی که در لباس، مرز، مرز نشین و مرزی بودن نمود یافته‌اند. لازم به ذکر است که کولبران هرچند کالای تاجران و بازرگانان را به دوش می‌کشند، اما خود نیز به معامله و تجارت مشغول می‌شوند؛ تجارت جان با نان. با این تفسیر کولبران تاجرانی هستند که در میدان کولبری بزرگ‌ترین سرمایه آنها، جان آنهاست. بنابراین در میدان کولبری دو نوع بازار و دو نوع تجارت وجود دارد: تجارت کالا در برابر پول و تجارت جان در برابر نان، که کالای مورد معامله در بازار اول بر دوش تاجران بازار دوم قرار دارد. این بدان معناست که کولبران تاجرانی هستند که بر دوش خود دو کالا را حمل می‌کنند: کالای تاجران و نان خود را. کالاهایی که وابسته به هم هستند و موفقیت هر دو تجارت وابسته به یک شخص است؛ کولبر.

آنچه دردناک است آن است که در میدان کولبری و سیاسی ارزش کالا از جان بیشتر است، زیرا جان کولبر در اولویت دوم (یعنی بعد از کالا) قرار دارد. جان کولبر اهمیت دارد، اما نه به خاطر خود آن، بلکه به خاطر حمل کالا. در واقع به جان به مثابه ابزار نگریسته می‌شود. همه این موارد بیانگر آن است که در میدان اقتصاد و سیاست جان فاقد معنا و ارزش است و آنچه معنا و ارزش دارد، کالا است؛ در میدان اقتصاد اگر کالا توسط کولبران صحیح و سالم به مقصد برسد، دستمزد کولبران پرداخت می‌شود، در غیر این صورت هیچ دستمزدی به آنها داده نمی‌شود حتی اگر آسیب ببینند یا جان خود را از دست دهند. در میدان سیاست نیز برای آن که کالا از مرز عبور نکند، نیروهای مرزی حق شلیک و گرفتن جان کولبران را دارند. بنابراین چه در میدان سیاست، چه در میدان اقتصاد آنچه اهمیت ندارد، جان است و آنچه اهمیت دارد پول و کالا است. پول و کالا ارزش محوری میدان کولبری هستند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است که کولبران کولبری را در کالبدی همراه با رنج و اضطراب بی‌پایان تجربه می‌کنند؛ اضطرابی که زاده ترس از نیروهای مرزبانی، اسارت، مرگ، طبیعت، ترس از دست دادن بار و نگرانی بابت سرنوشت خانواده است و رنجی که آمیخته با ناملایمتی‌های طبیعت، بارهای سنگین، تعقیب و گریز، کمین‌های طولانی و مواجهه با مرگ است. این رنج و دلهره پیشکش طبیعت، سیاست و اقتصاد زمانه به کولبران است. هدیه‌ای که به تدریج بخشی از وجود آنها می‌شود و در وجود آنها تجسم می‌یابد و به شکل استهلاک جسمی-روحي بروز می‌کند که از یک سو، مستلزم درمان و هزینه‌های زیاد و از سوی دیگر، منجر به تحلیل قوای جسمانی و متعاقباً کاهش درآمد و پس‌انداز آنها می‌شوند. بنابراین تجربه کولبری دربرگیرنده عدم پس‌انداز، عدم پیشرفت مالی و عدم فراغت و آسودگی کولبران و اکتفای آنها به زندگی بخورونمیر، رفع نیازهای مادی روزانه است؛ تجربه‌ای که عاری از آسایش، آرامش و لذت است.

علاوه بر این تجربیات، زندگی کولبران آکنده از تقابل روزمره مرگ-زندگی است. آن‌ها هر بار که به کولبری می‌روند از آنجا که انتظار آن را ندارند در کمال صحت و سلامت به آغوش خانواده برگردند از خانواده خود وداع می‌کنند و حلالیت می‌طلبند و عذاب وداع را به جان می‌خرند تا با تجارت جان در برابر نان، معیشت خانواده خود را فراهم نمایند. تجارتي که مستلزم مواجهه و روبرو شدن با نیروهای مرزی است. کولبران این مواجهه را به شکل برخورد خشونت‌آمیز که همراه با تهدید، اهانت، کمین، مین‌گذاری، شلیک کردن، بازداشت، اسارت و قتل جوانان و سالخورده‌گان و آتش زدن بار آنها است، تجربه می‌کنند و این تجربه را در قالب دشمن‌انگاری ادراک می‌کنند؛ ادراکی که بیانگر آن است که هیچ‌گونه سنخیت و مقاربتی بین آنها و نیروهای مرزی وجود ندارد، و تنها چیزی که وجود دارد دشمنی است.

همین تلقی دشمن‌انگاری احساس حقارت زیسته را نیز به همراه دارد؛ احساسی که حاکی از آن است که کولبر در جهان اجتماعی فاقد منزلت اجتماعی است و موجودی

دون پایه است، البته این احساس حقارت را کولبران علاوه بر میدان مرز (مواجهه با نیروهای مرزی) در میدان اقتصادی و در میدان اجتماعی نیز تجربه و احساس می‌کنند. در میدان اقتصاد کولبران از سوی صاحبان بارها به اشکال مختلفی مانند تضمین اخلاقی و شغلی کولبران، بازدید بدنی در پایان کار و ناچیز شمردن ارزش جان، تحقیر می‌شوند و در میدان اجتماعی این حقارت از سوی مردمی اعمال می‌شود که کولبران را انسان‌های دون پایه‌ای می‌دانند که فاقد توانایی و شایستگی هستند. تجربیات، احساسات و ادراکات کولبران موجب شده که آنها کولبری را نه به مثابه شغل بلکه به مثابه ظلمی بدانند که با عنوان شغل به آنها تحمیل شده است.

به‌طور کلی نتایج تحقیق بیانگر آن است که تجربه کولبری، همراه با رنج و فرسودگی، زوال و انحطاط روابط زیسته انسانی، رخت بربستن روز از زندگی و درک متفاوت زمان و زندگی در فضایی است که مرگ بر آن سایه انداخته است. این تجربه زیسته بسیار متفاوت با تعریف کولبری به مثابه فعالیت اقتصادی است که افرادی بنام کولبر اقدام به حمل کالا بر پشت خود بین دو طرف خط مرزی برای دریافت دستمزد می‌کنند. بنابراین باید در تعریف کولبری تجدیدنظر کرد.

نتایج تحقیق حاضر به لحاظ نظری از آنجا که بیانگر نگرانی، ترس و اضطراب بی‌پایان است با نظریات بونکه همخوانی دارد، زیرا وی معتقد است ساختارهای حاکم بر نگرانی شامل ساختار قلمروی مانند نداشتن امنیت، سلامت و رفاه اقتصادی و ساختار ذهنی مانند نگرانی‌های ذهنی افراد درباره خود یا نزدیکان یا نگرانی درباره جامعه یا دنیا باشد (نگرانی‌های کلان). به لحاظ تجربی نیز نتایج تحقیق حاضر از آنجا که بیانگر احساس حقارت زیسته و رنج و اضطراب بی‌پایان است با تحقیقات قادر زاده و غیاثوند (۱۴۰۲) و قادر زاده، خانی و رسولی (۱۴۰۲) همخوانی دارد، زیرا نتایج تحقیقات مذکور نیز نشان داد کولبری دربرگیرنده تجربه فرودستی، طرد، هراس، رنج و درد، رهاشدگی و لال شدگی از تجربیات مکرر کولبران است.

شایان ذکر است تحقیق حاضر از آن جهت که به این نتایج دست یافته که تجربه زیسته کولبران دربرگیرنده انحطاط روابط زیسته انسانی و درک متفاوت زمان و زندگی در کشاکش مرگ و زندگی است با سایر دستاوردهای تحقیقات تجربی متمایز و متفاوت است، زیرا که تمرکز اکثر این تحقیقات مبتنی بر فرایند شکل گیری این پدیده است تا تحلیل تجربه زیسته کولبران. نتایج این تحقیق بیانگر این واقعیت است که و کولبری امری اختیاری و ارادی نیست، بلکه امری است اجتماعی و غیرارادی با محتوای اقتصادی، سیاسی و حتی جغرافیایی. در واقع کولبران در شرایط نابسامان اقتصادی و توسعه نامتوازن برای تأمین معیشت نه برای رفاه و انباشت سرمایه اقتصادی، اقدام به کولبری می کنند و جان خود را به خطر می اندازند. بنابراین مسئولان و دولتمردان کشور باید نگاه خود را به این پدیده تغییر دهند و آن را به مثابه یک مسئله اجتماعی ببینند و با تجدیدنظر در سیاست ها و برنامه های خود، راهکارها و راهبردهای قانونی برای آن تدوین و تنظیم نمایند.

### سپاسگزاری

از همه کولبرانی که با بزرگواری وقت خود را در اختیار ما قرار دادند و ما را در انجام این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی داریم. برای همه این بزرگواران آرزوی سلامتی و بهروزی داریم.

### تعارض منافع

تعارض منافع نداریم.

### ORCID

Fardin Mohammadi



<http://orcid.org/0000-0002-3887-8279>

Omid Ghaderzadeh



<http://orcid.org/0000-0002-5992-0579>

## منابع

- استراوس، انسلم و کرین، جولیت. (۱۳۹۱)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اصلانی اسلمرز، عابد؛ دیندارلو، سعید و اصلانی اسلمرز، امید. (۱۳۹۴)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق کالا (زمینه‌ها و راه کارها)»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲: ۳۳-۵۶.
- جلائی پور، حمیدرضا و باینگانی، بهمن. (۱۳۹۵)، «مطالعه جامعه شناختی پیامدهای اقتصادی بازار و تجارت مرزی (اتنوگرافی انتقادی بازار مرزی بانه)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال پنجم، شماره ۴: ۵۳۹-۵۷۳.
- خالقی‌پناه، کمال. (۱۳۹۹)، «سنگینی دردها و تمرین صبوری با بدن: پدیدارشناسی تجربه زیسته دردهای مزمن در بیماران مبتلا به ام اس»، *فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*، سال بیست و هفتم، شماره ۸۱: ۱۴۵-۱۷۴.
- خضریور، محمد؛ صمدیان، منیرالسادات و بیگدلو، رضا. (۱۳۹۷)، «تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر برقراری امنیت پایدار در راستای حل معضل کولبری (مورد مطالعه: شهرستان‌های پیرانشهر، سردشت، بانه و مریوان)»، *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، سال ششم، شماره ۲۴: ۳۷-۶۹.
- خضری، امیرارسلان. (۱۳۹۶)، *پیدا و پنهان کولبری*، تهران: انتشارات چراغ اندیشه.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمدی، آرزو. (۱۳۹۹)، «درک و فهم پدیده کولبری در شهرستان بانه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال سی و دوم، شماره ۸۱: ۱۳۵-۱۵۴.
- سازمان حقوق بشری هنگا، ۲۶/۱۰/۲۰۲۰، <https://hengaw.net/fa/news/2023/01/>
- ساوج، مایک و وارد، آلن. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی شهری*، ترجمه: رضا ابوالقاسم پور، تهران: سمت.
- سلطانیان، شریف و مفاخری، جمیل. (۱۳۹۸)، «شناسایی شرایط علی تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال هشتم، شماره ۲: ۲۷۹-۳۱۰.
- سلیمی، کاوه و قدرتی، شفیعه. (۱۳۹۹)، «بازسازی معنایی کولبری مطالعه کیفی کولبران غیررسمی شهر سقز»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۳: ۱۷۱-۲۱۵.
- سوندرز، پیت. (۱۳۹۱)، *نظریه اجتماعی و مسئله شهری*. ترجمه: محمود شارع‌پور، تهران: انتشارات تیسرا.
- شجاعی‌وند، بهمن؛ روستایی، شهریور و اصغری زمانی، اکبر. (۱۳۹۷)، «بازنمایی فضایی و تولید و بازتولید تصویر ذهنی: رهیافتی از تریالکتیک لوفور»، *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق*

خشک، سال نهم، شماره ۳۳: ۱-۱۹.

- عنبری، موسی و عبدهزاده، سیروان. (۱۳۹۹)، «برساخت اجتماعی پدیده کولبری در مناطق مرزی غرب ایران (واکاوی زیست جهان انتقادی کنشگران محلی در شهرستان بانه)»، توسعه محلی (روستایی، شهری)، سال دوازدهم، شماره ۱: ۱۵۳-۱۸۵.
- فتاحی، سجاده؛ رفیعی، نسترن و چغاززدی، جلال. (۱۳۹۵)، مسأله‌شناسی راهبردی توسعه در استان کردستان، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- قادرزاده، هیرش و غیاثوند، احمد. (۱۴۰۲)، «کشاکش رنج و گنج (سازوکارهای حفظ سرمایه و نحوه مواجهه با کولبری در میدان تجارت مرزی بانه)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال بیست و چهارم، شماره ۱: ۲۸-۵.
- قادرزاده، امید؛ خانی، سعید و رسولی، عادل. (۱۴۰۲)، «کولبری؛ زمینه‌های تکوین و تداوم آن»، مطالعات اجتماعی ایران، سال هفدهم، شماره ۴: ۷۹-۱۰۴.
- متقی، افشین؛ امرایی، مهتاب و آرش قربانی، سپهر. (۱۴۰۰)، «تحلیلی بر علل گرایش به اقتصاد غیررسمی در شهرهای مرزی با تأکید بر اشتغال کولبری (مطالعه موردی: شهر سردشت)»، فصلنامه علمی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوازدهم، شماره ۴۷: ۲۷۱-۲۸۶.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹)، ضد روش؛ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، جلد اول.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، ضد روش؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، جلد دوم، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- هدایت، عثمان. (۱۴۰۲)، «درک پدیدارشناسانه از زیست جهان دختران مرزنشین در مواجهه با وضعیت فارغ‌التحصیلی»، زن در توسعه و سیاست، سال بیست و یکم، شماره ۲: ۳۸۱-۴۰۶.
- الیاس، نوربرت. (۱۳۹۸)، تنهایی دم مرگ، ترجمه: امید مهرگان و صالح نجفی، تهران: گام نو.
- Birks, Melanie, and Mills, Jane. (2011). *Grounded Theory: A Practical Guide*. Sage.
- Boehnke, Klaus., Schwartz Shalom.H., Stromberg Claudia. & Sagiv, Lilach. (1998). "the structure and dynacs of worry: theory•measurement 'cross-cultural replications." journal of persmionality, 66(5),745-82.
- Charmaz, Kathy, and Bryant.Antony. (2010). *Grounded Theory*. ELSEVIER LTD.

- Fassinger, Ruth. E. (2005). "Paradigms, praxis, problems and promise: Grounded theory in Grounded theorycounseling psychology Research Grounded theory". *journal of psychology Research*. 52 (2), 155-166.
- Glaser, Barney.G., & Strauss, Anselm.L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitive Research*. Aldintransaction a Division of Transaction Publishers: New Brunswick and London.
- Kafle, N.P. (2020). "Hermeneutic phenomenological research method simplified ". *Bodhi: Interdisciplinary Journal*, 5(1), 181-201.
- Schmid, Christian. (2008). " *Henri Lefebvre's theory of production of space: Towards a three-dimensional dialectic.*" translated by Bandulasena Goonewardena, 2th chapter of "*Space, Difference, Everyday life, Reading Henri Lefebvre*", Edited by Kanishka, Goonewardena, Stefan Kipfer, Richard Milgrom, Christian Schmid, First published 2008 by Routledge Gottdiener, M. (1994). *The Social Production of Urban Space*. Austin, TX: University of Texas press.
- Soleimani, Kamal, and Mohammadpour, Ahmad. (2020). " Life and labor on the internal colonial edge: Political economy of kolberi in Rojhelat ". *The british journal of sociology (Br J Sociol)*, 71 (4), 741-760.  
<https://doi.org/10.1111/1468-4446.12745>

استناد به این مقاله: محمدی، فردین و قادرزاده، امید. (۱۴۰۴). زیستن در کشاکش مرگ و زندگی؛ پدیدارشناسی تجربه زیسته کولبران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۶ (۶۵)، ۲۲۷-۲۶۰.



**Social Development and Welfare Planning** Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.